

۲۰۱۲/۰۲/۱۹

داکتر سيد عبدالله کاظم

## پاسخ به دو سؤال تاریخی

محترم دوست محمد از بدخشان در بخش «تبصره شما در مورد مطالب نشر شده سال ۲۰۱۲» منتشره پورتال «افغان جرمن آنلاين» نوشته اند:

«با عرض سلام و احترام دو سؤال مهم دارم :

۱ - ميرمن نظام نوشته اند که اعليحضرت شاه امان الله و مجاهدان افغان استقلال افغانستان را در ۱۸ آگست استرداد کرده اند. اين ۱۹ آگست که به مناسبت استرداد استقلال تجليل می گردد، برای چیست؟ ما که در زمان بابای ملت (اعليحضرت محمد ظاهر شاه) در ۶ جوزا به نام روز استقلال رخصتی داشتيم، برای چه بود و همچنان چرا در آن وقت ها از اول تا ۳ سنبله رخصتی به مناسبت جشن استقلال بود و اين ۱۹ آگست و يا ۱۸ آگست از کجا آمده است؟

۲ - آقای سيستانی نوشته اند به قول ماگه رحمانی که ملکه حلیمه همسر اميرعبدالرحمن خان در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به عمر ۴۶ سالگی وفات کردند، بناءً امير در کدام سال با او ازدواج کردند و در وقت مرگ امير پسرش شهزاده محمد عمر چند ساله بود که ادعای سلطنت داشت؟»

در ارتباط با دو سؤال فوق يقين دارم که محترمه ملال نظام و محترم سيستانی صاحب بطور جداگانه توضيح خواهند داد، ولی من هم خواستم در زمينه معلومات مختصر به عرض برسانم:

در مورد سؤال اول :

متن ذیل بر گرفته از کتاب «فرهنگ کابل باستان» تأليف مرحوم استاد عزيزالدین وکیلی فوفلزائی (جلد دوم، صفحه ۸۷۳ که در کابل به وسیله وزارت اطلاعات و فرهنگ در سال ۱۳۸۷ شمسی به چاپ رسیده) به وضاحت ميرساند که چرا ۱۹ آگست مطابق ۲۸ اسد روز استرداد استقلال افغانستان شناخته شده است :

«امضای آخرین سند استرداد استقلال کشور در کابل باستان :

سردار علی احمد خان بارکزائی ناظر امور داخلیه و سر هملتن گرانت بتاریخ دوشنبه (۱۸) برج اسد سال (۱۲۹۸) هجری شمسی مطابق (۱۴) ذیقعدة الحرام سنه (۱۳۳۷) هجری قمری موافق (۱۰) (تصحیح ۸) آگست (۱۹۱۹) میلادی در راولپندی معاهده استرداد استقلال افغانستان را امضاء کردند.

بروزهای سه شنبه (۲۶) و چهارشنبه (۲۷) اسد سال مذکور (مطابق ۱۷ و ۱۸ آگست) بحث و مباحثه در قصر زر افشان (مقام مؤقت نظارت امور خارجه) کابل بحضور سر قهرمان ملی افغانستان اعليحضرت امان الله شاه ادامه داشت.

چون مواد معاهده مطابق به شأن و شرف افغانستان بطور دلخواه تمام شد، اعليحضرت امان الله شاه آن سند مهم را در کابل در قصر زر افشان بتاريخ (۲۸) برج اسد سال (۱۲۹۸) شمسی بقلم خود امضاء نمود و این قلم خود رنگ یادگاری در الماری دارالتحریر شاهی (ارگ دارالسلطنه کابل) حفظ گردید. اعليحضرت غازی، بعد مراسم امضاء، حاضرین دربار سلطنت را مخاطب قرار داده گفت: بعد ازین اگر امان الله زنده باشد و یا مرده، شما ملت نجیب و غیور افغانستان این روز خجسته (۲۸) اسد (مطابق به ۱۹ آگست - از نویسنده) را همه ساله بنام عید ملی و خاطره شریف استرداد استقلال کشور جشن بگیریید.»

اما روز پنجم جوزا سال ۱۲۹۸ شمسی مطابق (۲۶ می ۱۹۱۹) مصادف است به حمله قوای افغان در محاذ «تل» در سمت جنوبی به سرکردگی سپهسالار محمد نادرخان غازی که بطور برق آسا در روز بعد یعنی ۶ جوزا (۲۷ می) با فتح و نصرت توأم بود. این روز تاریخی را در عصر اعليحضرت ظاهر شاه بابای ملت به این دلیل به روز استقلال مسمی کردند تا افتخار استرداد استقلال کشور را به اعليحضرت نادرشاه شهید بدهند، چنانچه برای سالهای متمادی نام اعليحضرت شاه امان الله غازی به حیث بانی و سرقهرمان استقلال کشور از صفحات روزنامه ها و جراید کشور کاملاً ناپدید شده بود و هیچ تذکری در باره او داده نمی شد. درحالیکه در داخل کشور روز ۶ جوزا یک روز تعطیل بود و اما در سفارت های افغانی مقیم خارج فقط روز ۶ جوزا (۲۷ می) را رسماً به حیث روز استقلال کشور تجلیل میکردند که اینکار در حقیقت تحریف تاریخ را معنی میداد. از آنوقت به بعد جشن استقلال را از ۲۸ اسد به اول سنبله آوردند که در آغاز سه روز و بعداً شش روز رخصتی بود و سالهای بعد روز هفتم سنبله را بنام جشن «پشتونستان» مسمی ساختند.

در مورد سؤال دوم :

دیپانو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته راوبولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

امیر عبدالرحمن خان با آنکه به زن چندان علاقمند نبود، چهار زن نکاحی و هفت زن سیرتی یا صورتی داشت که حاصل آن شش پسر و دو دختر بود. آدامک محقق افغانستان شناس از زوجات نکاحی امیر چنین نام می برد: بی بی جان (دختر میرجهاندار شاه از میران بدخشان)، مریم (فرزند نداشت)، حلیمه (ملقب به بوبو جان، مادر محمد عمر خان)، پادشاه بیگم (از مزارشریف، مادر غلام علی خان). زنان صورتی امیر عبارت بودند از: ستارو (از چترال، مادر هاجره)، عسل (از سمرقند، مادر حبیب الله خان و نصرالله خان)، گلریز (از نورستان)، زهرا (از شغنان، مادر فاطمه مشهور به فاتو جان)، نیکدم (از چترال، مادر امین الله خان)، ساجده و گلابی. (۱)

بی بی حلیمه ملقب به «بوجان» مشهور به «جغه دار» ملکه رسمی امیر بود، دختر میرعتیق الله از نواده های امیر واعظ کابلی (شخصیت روحانی) و مادرش دختر امیر دوست محمد خان بود که با این اساس بوبو جان در عین زمان دختر عمه امیر نیز می شد. وی در سال ۱۲۴۳ شمسی (۱۲۸۰ قمری) در گذر بارانه کابل بدنیا آمد و بتاريخ ۲۰ جوزای ۱۳۰۴ شمسی به عمر ۶۱ سالگی در کابل فوت کرد و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد. در سن ۱۵ سالگی با امیر ازدواج کرد و از امیر دو پسر بدنیا آورد که یکی در کودکی وفات کرد و دیگری سردار محمد عمر خان (بعدها ملقب به سردار صنایع) بود.

بی بی حلیمه علوم متداوله را نزد پدر آموخت و زن شاعره و ادیب، باساخت و مردم دار بود و در «گلستان سرای» (گوشه ای از پارک زرنگار موجوده) اقامت داشت که بعداً آنرا به مکتب مستورات اهداء کرد و نیز چند مسجد و مدرسه ساخت و هم پلی در پغمان احداث نمود که بنام خودش مسمی شد. (۲)

او زن با انضباط و صاحب وقار بود و در امور کشوری دخالت میکرد. امیر نیز به او به نظر احترام می دید، چنانکه در میان مردم شایع بود که: «همه از امیر میترسند، امیر از بوجان». اختیارات او بسیار بود و حتی میتوانست حکم اعدام یک محکوم را ملغی سازد. او در سیاست نیز فعال و شدیداً برخلاف انگلیسها و یکی از حامیان جدی استقلال کشور بود، میگویند که او زیورات خود را فروخت و پول آنرا برای جنگ استقلال اختصاص داد.

بوبو جان بعد از فوت امیر تلاش کرد تا پسر خود را به جانشینی امیر بگمارد و تا رسیدن وی به سن بلوغ، میخواست خودش زمام امور را در دست گیرد، ولی گفته میشود که سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله که شخص با نفوذ عصر و از مقربان و همفکران بوبو جان بود، او را از اینکار برحذر ساخت. به قول سردار محمد رحیم ضیائی نواسه بوبو جان: «حلیمه بعد ها به یاری هواداران خود در دربار بسیار کوشید به هر وسیله امیر حبیب الله خان را از قدرت برکنار سازد و برای این منظور توطئه را سازمان داد، ولی توطئه افشا گردید و همه کسانی که در آن شرکت داشتند زندانی شدند». (۳)

سردار محمد عمرخان بتاريخ ۲۴ سنبله ۱۲۶۸ شمسی (مطابق ۱۵ سپتمبر ۱۸۸۹) در کابل متولد شد. دوازده ساله بود که پدرش امیر عبدالرحمن خان وفات کرد. در سال ۱۲۸۹ شمسی (۱۹۰۹) مظنون به بیک توطئه علیه امیر حبیب الله خان برادر خود گردید و از آن به بعد با وجود داشتن مقام ظاهری در دربار از نظر افتاد و سالهای اخیر عمر خود را بعد از ۱۹۳۱ در حیدرآباد هند زیر نظارت گذشتاند. (۴)

## مآخذ:

(1) Ludwig, Adamec : Historical and Political Who's Who of Afghanistan 1747 – 1945, Graz – Austria, 1975 Chart 54 and 56

۲- حکم، عبدالشکور: از عیاری تا امارت (امیر حبیب الله کلکانی)، چاپ اول، پشاور ۲۰۰۲، صفحه ۱۳

۳- ضیائی، محمد رحیم: برگهای از تاریخ معاصر وطن ما، مترجم از روسی: غلام سخی غیرت، پشاور ۲۰۰۱، ص ۱۳ تا ۱۵

۴- لودویک آدامک: مآخذ شماره (۱) صفحه ۲۵۸